

جنس ضعیف (گزارشی از وضعیت زنان جهان)

نویسنده: اوریانا فالاچی

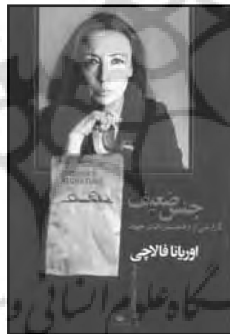
مترجم: یغما گلروبی

تهران: ۱۳۸۷

ناشر: مؤسسه‌ی انتشارات نگاه، ۱۹۸ صفحه

بها: ۲۸۰۰۰ ریال

روح‌انگیز طاهری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به کار بود ترتیب داده شده است.

فصل اول: فالاچی به همراه همکار عکاس خود، سفر خود را از پاکستان آغاز می‌کند. او به شهرهای مختلف پاکستان سفر می‌کند و با گروه‌ها و اقشار مختلف زنان به صحبت می‌نشیند. به عقیده‌ی او پاکستان سرزمینی است که در آن هیچ ازدواج عاشقانه‌ای صورت نمی‌گیرد و حساب و حساب بر احساسات غلبه دارد، نصف جمعیت شش میلیونی پاکستان را زنانی تشکیل می‌دهند که با حجاب چادر زندگی می‌کنند. اکثر آن‌ها بی‌سوادند، اما در میان آن‌ها تعداد کمی زنان روشنفکر و اجتماعی نیز به چشم می‌خورد. پاکستان از جمله کشورهایی است که در آن تمامی قوانین به نفع مردان است و اکثر زنان بی‌چون و چرا تابع این قوانین و رسوم ناعادلانه‌اند.

فصل دوم: بعد از پاکستان نوبت به هندوستان می‌رسد، سرزمین معابد و خدایان بسیار با جمعیتی زیاد. فالاچی در هند با زنان بزرگ و

کتاب حاضر برگردانی است از *Le Sexe inutile* نوشته‌ی اوریانا فالاچی، توسط یغما گلروبی، به معنای جنس بی‌فایده یا جنس بی‌مصرف. اما از آنجایی که زنان سال‌ها با عنوان «جنس ضعیف» برای فارسی‌زبانان شناخته شده‌اند، از همان عنوان - یعنی جنس ضعیف - برای کتاب استفاده شده است.

این اثر گزارشی است شش فصلی از وضعیت زنان جهان به ویژه زنان شرقی، که خانم «فالاچی» در سفر به برخی کشورهای شرقی مثل پاکستان، هندوستان، اندونزی، چین، ژاپن، همچنین هاوایی و آمریکا تهیه کرده است. فالاچی روزنامه‌نگاری ایتالیایی است که فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه‌ی «ایل ماتینو دلیتالیا چنتراله» آغاز کرده و بعدها نیز در جنگ‌های ویتنام، هند و پاکستان، خاورمیانه و آمریکای لاتین به عنوان خبرنگار جنگی فعالیت داشته است. این کتاب حاصل گزارش سفری است که به پیشنهاد مدیر روزنامه‌ای که او در آن مشغول

قبیله که تنها تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده است، به سنگاپور می‌رود و پس از یک شب اقامت، اندونزی را ترک می‌کند.

فصل چهارم: بعد از دیدار با مدرسالارها، فالاجی و همکارش به چین سفر می‌کنند و ابتدا به دیدن نویسنده‌ی کتاب «عشق چیز با شکوهی است» - که در آمریکا فیلمی از روی داستان این کتاب ساخته شده است- می‌روند، «هان سوین» نویسنده‌ی این کتاب، به رغم این که در چین پزشک معروفی است، مانند زنان معروف دیگر کشورهای آسیایی از وضعیت بد زنان در چین و نادیده گرفتن حقوق آن‌ها صحبت می‌کند و معتقد است عوض شدن شرایط زندگی یک زن چینی مثل یک معجزه است.

در مقابل زنان مرفه چینی، در چین زنانی وجود دارند که در مزارع و شالیزارهای برنج به کار مشغولند. فالاجی زنان هنگ کنگی را جذاب‌ترین زنان آسیا معرفی می‌کند، زنانی که هنوز تابع قوانین قدیمی مثل تعدد زوجات مردان هستند. در مقابل زنان چین سرخ معتقدند زن و مرد باید فقط یک همسر داشته باشند و یکدیگر را دوست بدارند تا با حمایت هم جامعه‌ی جدید بسازند. از عجیب‌ترین رسوم مردم چین باندپیچی کردن پاهای دختران از سن پنج سالگی است. زیرا طبق رسوم قدیم پای دختران در هنگام ازدواج نباید بزرگتر از ۹ سانتی‌متر می‌بود. این رسم غیر انسانی که هم در کودکی و هم در بزرگسالی درد و رنج زیادی را به دختران تحمیلی می‌کرد، امروزه از بین رفته اما باعث شده چین امروز زنان پیری را به خود ببیند که به دلیل کوچک بودن پا نسبت به بقیه‌ی اعضای بدن قدرت راه رفتن چندانی ندارند.

عشق، در چین نیز واژه‌ای ممنوعه است و تاو به حساب می‌آید، همچنین زندگی زن و مرد بدون ازدواج با هم، منفور و مطرود جامعه است. در مقابل در چین به ندرت دو نفر از هم طلاق می‌گیرند. به عقیده‌ی فالاجی، زنان چینی هیچ وقت ضعیف و برده نبودند و همیشه از خود غرور و شجاعت نشان داده‌اند. آنها به تحمل درد و سختی عادت داشته‌اند. همچنین در میان آن‌ها زنانی وجود دارند که به دلیل طرز فکر قدیمی مردان - به بردگی کشیدن زنان در خانه - تمایلی به ازدواج ندارند.

در **بخش پنجم** کتاب که مربوط به زنان ژاپنی است، نویسنده لازمه‌ی بی بردن به عمق وجود زن ژاپنی را درک کردن توکیو و اتفاقات رخ داده در آن شهر می‌داند. به همین دلیل ابتدا به وصف شهر توکیو می‌پردازد و سپس وضعیت زنانی را بیان می‌کند که در هر گوشه‌ی این شهر شلوغ - مانند مردان - به کارهای مختلف مشغولند. فالاجی از دیدن زنان ژاپنی که از نظر شغلی و رفتاری بسیار با هم متفاوتند تعجب می‌کند، اما به گفته‌ی مترجم ژاپنی او، تمام زنان ژاپنی مثل هم هستند فقط مثل خود این شهر - که در روز زشت و شلوغ و در شب آرام و زیباست - دارای دو چهره هستند. ۵۰ درصد زنان



صاحب مقام و منصب صحبت می‌کند؛ آن‌ها زنان هندی را «پروانه‌های آهنینی» می‌دانند که توانسته‌اند تغییرات زیادی در فرهنگ و وضعیت زنان هند به وجود بیاورند. اما اکثر زنان هندی موجودات غم‌زده‌ای هستند که ترس مجازات از گناهی که هرگز مرتکب آن نشده‌اند، در چشمانشان موج می‌زند. زنانی که هر روز به دلیل فقر و گرسنگی شاهد مرگ فرزندان‌شان هستند و به لحاظ ظرافت و فروتنی شبیه زنان هیچ کجای دنیا نیستند. اما نمی‌توان فهمید که این اخلاق ذاتی آن‌هاست یا از روی ترس و وحشت است. یکی از محکم‌ترین اعتقادات زنان هندی، «ساری» است که لباس سنتی و ملی آن‌هاست. ساری برای آن‌ها نشان پرچم هند است و آنها کنار گذاشتن آن را خیانت بزرگی به کشور و ملیت خود می‌دانند؛ از این‌رو در تمام عرصه‌های زندگی حتی هنگام کار و ورزش نیز همیشه ساری به تن می‌کنند. زنان هندی، زنان مؤدب و باوقاری هستند که با وجود آداب و رسوم خاص هند، مثل آزاد بودن تعدد زوجات برای مردان، همچنان به همسر خود وفادار هستند.

فصل سوم: فالاجی قصد داشت در ادامه‌ی سفر به اندونزی برود و گزارشی تهیه کند از «مادرسالار»های سوماترا، اما به دلیل مخالفت مأمور هواپیمایی اندونزی و به علت جنگ در آن منطقه، به مالزی می‌رود تا در آنجا به دنبال مدرسالارها بگردد. پس از جستجوی بسیار در اعماق جنگل‌های کوالالامپور، قبیله‌ای را می‌یابد که در آن قدرت در دست زنان است؛ زنانی که دارای زمین‌های بسیاری هستند و این زمین‌ها را برای فرزندان دختر خود به ارث می‌گذارند، اسم خانوادگی مادر خانواده روی بچه‌ها گذاشته می‌شود و پدر هیچ اختیاری در مورد بچه‌ها ندارد، زنان کارهای سخت مثل کشاورزی و هیزم شکنی را انجام می‌دهند و مردان به کارهای خانه مشغولند. فالاجی بعد از گفتگو با این

جزایرهاوایی سفر می‌کند. نیهو کوچکترین جزیره از جزایرهاوایی است که فقط ۲۳۸ نفر از نژاد دست نخورده‌ی هاوایی در آن زندگی می‌کنند و صاحب جزیره به هیچ توریستی اجازه‌ی ورود به جزیره را نمی‌دهد.

پس از گردش در جزایرهاوایی، فالاچی و همکارش به نیویورک می‌روند؛ شهری پر جمعیت با آسمان خراش‌های آلوده و خیابان‌های گیج‌کننده. شهری که در آن زنان دارای حقوقی مساوی و گاه حتی بالاتر از مردان هستند. به گفته‌ی فالاچی: «زن توی آمریکا یه مرده که قدرتش از مردای دیگه بیشتره...» در نیویورک زنان پایه‌پای مردان کار می‌کنند، اما آمارها نشان می‌دهد که میزان امید به زندگی مردان آمریکایی کمتر از مردان دیگر جاهای دنیا است.

در پایان فالاچی نتیجه‌ی سفر خود را این‌چنین بیان می‌کند: «تو این مسافرت جز چرخیدن یکنواخت تمام زنای دنیا دور یه محور بدبختی احمقانه چیزی به چشم نخورده بود و به این نتیجه رسیده بودم که هیچ کدوم از زنا تنونسته بودن اون جوری که باید راه خوش بختی واقعی رو از بیراهه‌ها تشخیص بدن...»

ارزیابی:

در یک نگاه کلی، کتاب حاضر، به لحاظ سبک نگارشی کتابی جذاب و خواندنی است که مشاهدات خود را از وضعیت زنان جهان بیان می‌کند و سپس به صحبت با زنان به ظاهر موفق و یا زنان فقیر و سخت‌کوش می‌پردازد که هر یک می‌تواند گوشه‌ای از وضعیت زنان آن منطقه را روشن کند.

صفحه‌بندی و نحوه‌ی چینش مطالب به خوبی صورت گرفته است. به لحاظ نگارشی، کتاب به شیوه‌ی گفتگوی عامیانه و به دور از آرایه‌ها و افعال ادبی نوشته شده است و این امر موجب جذابیت متن و گزارش سفر شده است. زیرا به شکلی داستانی، گزارشی عامیانه تهیه شده که می‌تواند مورد استفاده‌ی همه قرارگیرد. اما در این عامیانه نوشتن، برخی واژه‌های مرکب مثل دانش‌جو، فروش‌گاه، هم‌سر، بل‌که، ده‌کده و بسیاری واژه‌های این‌چینی، گسسته نوشته شده‌اند که این امر موجب دشواری در خواندن متن شده است.

همچنین برخی واژگان به لحاظ رسم‌الخط فارسی، غلط نوشته شده‌اند مثل: سؤالام یا گرسنه‌گی یا پیره‌زن که درست آنها می‌شود: سؤالام، گرسنگی و پیرزن.

یا برخی افعال به غلط به کار رفته‌اند، مثلاً در خط چهارم صفحه‌ی ۶۶ آمده: «اسلحه یا چاقو با خودمون دارین یا نه» که درست آن می‌شود: «اسلحه یا چاقو با خودمون داریم یا نه».

با این همه این اثر کتابی خواندنی است و می‌تواند مورد استفاده‌ی بسیاری به ویژه علاقه‌مندان به مطالعات زنان قرار بگیرد.



ژاپنی، لباس غربی می‌پوشند و کیمونو که لباس ملی آن‌هاست، تنها در چند فروشگاه بزرگ توکیو به فروش می‌رسد. بعد از جنگ‌های جهانی، در ژاپن نسل تازه‌ای از زنان به وجود آمده که دیگر نه تنها سمبل زیبایی یا عروسکی شکننده نیستند، بلکه می‌توانند در باره‌ی سرنوشت خود تصمیم بگیرند. در ژاپن دیگر بسیاری از سنت‌های مردسالارانه اجرا نمی‌شود. درباره‌ی عشق و عاشقی بین سربازان آمریکایی و زنان ژاپن و ازدواج آنها نیز داستان‌های شاد و غمگین بسیاری وجود دارد. فرهنگ ژاپن آداب و رسوم مختلفی دارد که هنوز هم سربیزی از آن‌ها سنت‌شکنی و مصیبت به شمار می‌رود. در ژاپن نیز عشق به یک قرارداد اجتماعی تبدیل شده است و دیگر یک چیز حسی نیست.

در **فصل ششم**، فالاچی مشاهدات سفر به جزایرهاوایی را شرح می‌دهد. جزایری که دیگر در آن‌ها به سختی می‌توان یک زن اصیل پیدا کرد، چراکه با ورود توریست‌ها به این مناطق و ازدواج آن‌ها با زنان هاوایی، فرزندان با نژادهای مختلف به وجود آمده‌اند.

تا ۲۰ سال قبل ثروت تمام جزیره آناناس و نیشکر و قهوه بوده است، اما امروز بیشترین پول را توریست‌ها به این سرزمین می‌آورند. برای پی بردن به وضعیت زنان هاوایی، فالاچی به جاهای مختلف شهر سر می‌زند و با پیرزن ۷۲ ساله‌ای به صحبت می‌نشیند که تنها زن اصیل هاوایی است. پیرزن به او می‌گوید که چگونه نژاد آنها با دیگر نژادها در آمیخته و شرایط زندگی - با توجه به این‌که آنجا به منطقه‌ای توریستی تبدیل شده - تغییر کرده‌است. فالاچی به جز «نیهو» به اکثر